

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ صفحات ۲۹-۴۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۸/۰۴

بررسی وضعیت اشتغال خارج از خانه زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی

فروغ‌الصباح شجاع نوری^۱

سمانه‌سادات سدیدپور^۲

چکیده

مثبت یا منفی بودن اشتغال زن در خارج از خانه، از قابل‌بحث‌ترین مسائل خانواده‌ها بوده است، اما در این مطالعه بیشتر زنان در یک قالب یکپارچه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به گروه‌های مختلف توجهی نشده و تصویر پژوهشگران از زن، انعطاف‌پذیر نبوده است. لذا این پژوهش در صدد است با نگاهی متفاوت و به دور از هرگونه جانبداری، وضعیت اشتغال زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اهداف آن از روش و پیمایش استفاده شده است. در این تحقیق با توجه به آن‌که بررسی میزان اشتغال زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی ساکن تهران و عوامل مؤثر بر آن بوده است، جامعه آماری، زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی ساکن در مناطق ۲۲گانه شهر تهران و حجم نمونه ۵۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده و ابزار تحقیق پرسشنامه بوده که ضریب آلفا برابر با ۰/۸۷ همبستگی بالای بین گویه‌ای را در آن نشان می‌دهد. از بین پاسخگویان، نزدیک به پنجاه درصد مجرد بوده و بیش‌تر افراد وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده بودند. نزدیک به یک چهارم بخش خصوصی و به‌کمک معرف شاغل شده بودند. علی‌رغم این‌که بیش از نیمی از افراد نمونه تمایل داشتند، تغییر شغل دهند، اما با توجه به اهمیت میزان حقوق و مزایای شغل، ویژگی‌های رفتاری همکاران خود را تحمل می‌کردند که این امر می‌تواند نشانه‌ای هشداردهنده در زمینه فضای موجود برای کار زنان جوان باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال، خارج از خانه، زنان، فارغ‌التحصیل دانشگاه.

۱- عضو هیئت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء(س)

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء(س)

Email:f.shojanoori@yahoo.com

Email:sama.sadid@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

زن از زمان‌های قدیم تا به امروز غیر از خانه‌داری، در امور مختلف دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است. بر اساس پژوهش سوگار و همکاران (۲۰۰۱) زنان عمدتاً در قالب نقش‌های سنتی و انجام فعالیت‌های خانگی و مردان بیشتر در قالب نقش‌های غیرسنتی و انجام فعالیت‌های خارج از خانه به تصویر کشیده شده‌اند. در ایران نیز نتایج تحقیقات انجام شده بر روی کتاب‌های درسی دوره دبستان (صداقت و زاهد ۱۳۷۴؛ حجازی ۱۳۸۵؛ افشانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ فروتن، ۱۳۸۹) نشان‌دهنده این است که بر اساس الگوی سنتی تقسیم کار، حضور بسیار اندک و کم‌رنگ زنان در متن و تصاویر کتاب‌های درسی اغلب در محدوده انجام کارهای داخل خانه و کمتر در قالب اشتغال خارج از خانه تعریف و نشان داده می‌شود. اما در جامعه معاصر ما، اشتغال زنان امر غریبی نیست. اشتغال تحصیل‌کردگان به‌ویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، علل و عوامل بیکاری آنان، از بین رفتن سرمایه‌های ملی در اثر خروج این تحصیل‌کردگان از کشور و چالش‌های نظام آموزش عالی کشور در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان از جمله مسائل اساسی است که در دهه اخیر توسط بسیاری از محققان از جمله میرهادی و رنانی (۱۳۸۱)، حیدری (۱۳۸۲)، بختیاری (۱۳۸۲)، ترابی مهربانی (۱۳۸۵)، برآبادی و محمدی (۱۳۸۶)، میرغفوری و رضائی (۱۳۹۲) و دیگران مورد توجه و بررسی قرار گرفته است و هم این تحقیقات به گسترش روزافزون آموزش عالی در دهه‌های اخیر اشاره داشته‌اند سریعی یافته است. افزایش ظرفیت‌های آموزش عالی از طریق ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در کلیه استان‌های کشور و از طریق ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی موجبات افزایش قابل ملاحظه عرضه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها شده است. اگر چه مسأله بیکاری با توجه به تبعات آن در ناهنجاری‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی برای کلیه احاد جمعیت کشور آزردهنده است لیکن بیکاری فارغ‌التحصیلان به دلیل سرمایه‌گذاری انجام شده برای تربیت نیروی انسانی ماهر در کشور و بلا استفاده ماندن آن در فعالیت‌های اقتصادی و وارد ساختن خسارت به اقتصاد ملی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در این میان برخی پژوهش‌ها مزایا و معایب اشتغال زنان را بررسی می‌کند.

پژوهشی با عنوان بررسی سلامت و متغیرهای جمعیت‌شناختی در سال ۲۰۰۴ بر روی نمونه وسیعی از جمعیت آمریکا، نشان داد که وضعیت شغلی برای سلامت زنان مهم‌تر از مردان است و زنانی که وضعیت شغلی پایین‌تری داشتند، سلامت کمتری نسبت به مردان با همان جایگاه شغلی گزارش دادند. به‌طور کلی، هر چه جایگاه شغلی افزایش می‌یابد زنان نسبت به مردان، به‌طور فزاینده‌ای سطوح بالاتری از پذیرش، مشارکت و انسجام اجتماعی را گزارش می‌کنند (کیز، ۲۰۰۴).

براساس پژوهش انجام شده توسط نقوی^۱ (۲۰۰۲) در بین زنان سرپرست خانواده و ساکن شهر، هر اندازه سن زنان یا تحصیلات افزایش می‌یابد بهتر می‌توانند درمورد اشتغال خود تصمیم‌گیری کنند. تحقیقات نشان داده است که اشتغال زنان در خانه باعث رفاه بیشتر می‌شود و احتمال طلاق و شکست هم در این زندگی کمتر است.

توسلی و سعیدی (۱۳۹۰) در پژوهش خود، تأثیر اشتغال زنان بر روابط زن و مرد در جریان تعاملات خانوادگی را بین دو گروه زنان متأهل شاغل و غیرشاغل مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق میزان دسترسی زن و مرد به منابعی همچون درآمد و تحصیلات می‌تواند اقتدار را به نفع هر یک از آنها در خانواده افزایش دهد. جیپینگ و بیان^۲ (۲۰۰۵) از پژوهش خود بر روی اشتغال زنان به این نتیجه رسیدند که دستیابی زنان به شغل و برخورداری از درآمد، از یک طرف نقش آنها را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی افزایش داده و از طرف دیگر باعث تعدیل نگرش‌های جنسیتی شده که این امر به نوبه خود، افزایش قدرت زنان در روابط قدرت زناشویی را در پی داشته‌است.

از سویی سازگار شدن خانواده با شغل همسر نیز در زمینه اشتغال مقوله حائز اهمیتی است. پلک^۳ (۲۰۰۵) بیان می‌کند تعارض کار- خانواده به زوج‌ها می‌آموزد که همسر آنها نمی‌تواند تمام نیازهای اجتماعی، عقلانی، هیجانی و سرگرمی آنها را برآورده سازد. این‌گونه سبک زندگی مختص همسران شاغل پرتلاش و پرتکاپو است. این همسران زمان کمتری

1- Zareen F.Naqvi

2- Jiping and Bian

3- Pleck

برای گذراندن وقت با یکدیگر و با دوستان خویش دارند. حتی گاهی زوجها تلاش می‌کنند نیاز به صمیمیت را بیشتر با دوستان و همکاران خود برآورده کنند تا همسرشان و در نتیجه رضایت از زندگی زناشویی کاهش می‌یابد. زنان معمولاً تصمیم‌های شغلی خود را بر نیازهای خانواده پایه‌ریزی می‌کنند و همچنان مقدار نامتناسبی از مسئولیت‌های خانه‌داری و مراقبت از فرزندان را بر عهده می‌گیرند، حتی زمانی که هر دو زوج شاعل هستند. بنابراین، زنان بیشتر دچار نفوذ نقش می‌شوند تا مردان. همان‌طور که انتظار می‌رود زمانی که شغل زن با مسئولیت‌های دیگر وی تداخل پیدا می‌کند، احساس تعارض نقش درونی، بیشتر و رضایت (زناشویی و شغلی) کمتر می‌شود. در تأیید این ادعا، آدام، کینگ و کینگ^۱ بیان می‌کنند که تداخل کار و خانواده و تداخل خانواده با کار باعث کاهش رضایت از زندگی می‌شوند.

زن ایرانی، امروز در طی مسیر پیشرفت خود در جامعه، به کسب درآمد از راه شغل نیاز دارد. تورم اقتصادی و فشارهای مالی بر دوش خانواده‌ها چنان سنگین است که یاری زنان را برای کاستن از این فشارها می‌طلبد و این امر واقعیتی بسیار مهم است. امروزه هستند زنانی که در زیر فشار اقتصادی زندگی، نه تنها یک کار دائم و ثابت دارند، بلکه ناچارند یکی دو شغل دیگر را هم، علاوه بر مسئولیت‌های خانه بر عهده بگیرند تا چرخ زندگی بچرخد. در ایران: براساس آخرین آمارهای موجود بر روی نرخ بیکاری، نرخ بیکاری زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی بیش از دو برابر مردان می‌باشد و ضروری است در جهت رفع این معضل چاره‌اندیشی شود (www.amar.org.ir).

همچنین بررسی‌های انجام شده در خصوص میزان درآمد و هزینه خانوارهای ایرانی نشان می‌دهد متوسط میزان هزینه‌های زندگی برای خانوارهای ساکن در نقاط شهری بیش از متوسط درآمد افراد سرپرست خانوار است (www.amar.org.ir) و لذا در بسیاری از موارد اشتغال به کار دو نفر از اعضای خانواده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است.

بنابر نتایج طرح‌های نمونه‌گیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری، نسبت زنان دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت زنان کشور از ۵/۲۳ درصد به ۹/۳ درصد افزایش یافته است.

نسبت مذکور برای مردان کل کشور در سال ۱۳۸۳، ۱۰/۷ درصد برآورد شده است (www.amar.org.ir).

از سوی دیگر مرور پژوهش‌های عرصه اشتغال با تأکید بر جنسیت نشان می‌دهد اشتغال زنان برای کشور، خانواده و خود این افراد چالش‌هایی به وجود آورده است که برای رفع آن‌ها، سیاستگذاران نیازمند مطالعات بیشتری هستند.

بی‌شک تعبیر مردم از تفاوت حقوق و تکالیف زن و مرد در خانواده و جامعه و تقسیم کار متعارف بین آن‌ها تأثیر بسزائی در تغییر نرخ فعالیت اقتصادی زنان دارد. انجام وظایف خانه‌داری و نگهداری و مراقبت از فرزندان (در هر سن) توسط مادران موجب شده تا علیرغم مشخص بودن حدود تکالیف و وظایف زن و مرد در مسئولیت‌های خانوادگی، اغلب مردم به‌ویژه مردان این مدیریت خانه را وظیفه زنان بدانند و در ایفای این وظایف، نقشی بر عهده نگیرند. لیکن این امر به تنهایی نمی‌تواند زمینه‌ساز کاهش شاخص فوق‌الذکر باشد چرا که در تمامی ایام زندگی میزان تکالیف و مسئولیت‌های خانوادگی زنان به یک اندازه نیست.

در نگاه کلی‌تر، اشتغال زنان تنها به‌عنوان یکی از عوامل پیش‌برنده اجتماعی مورد توجه و در عین حال تعارض‌های نقشی و سلامت جسمانی و روانی زنان و تأثیر مثبت و منفی اشتغال بر زندگی زناشویی نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته (بابایی فرد، ۱۳۹۲: ۴۲۷-۴۵۱؛ ربانی، ۱۳۹۲: ۱۹-۴۱؛ حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳۷-۳۴۶؛ حجازی، ۱۳۹۲: ۷۷۱-۷۸۱) اما مطالعه‌ای در زمینه وضعیت اشتغال خارج از خانه زنان با تأکید بر زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی به‌ویژه زنان مجرد مشاهده نشد. بنابراین مطالعه حاضر، مطالعه‌ای توصیفی است که تلاش می‌کند تا به بررسی مسأله اشتغال خارج از خانه زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی فعالیت دارد.

روش پژوهش

در تحقیق حاضر با توجه به اهداف آن از روش پیمایش استفاده شده است.

جامعه آماری

با توجه به هدف و ویژگی‌های این تحقیق، جامعه آماری با پژوهش را کلیه زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تشکیل می‌دهند.

با عنایت به این امر که به دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی امکان بررسی موضوع تحقیق در سطح کل جامعه آماری وجود ندارد در این تحقیق با استفاده از روش‌های آماری تعدادی از جامعه آماری به‌عنوان نمونه تعیین و مطالعه بر روی آنان صورت پذیرفته است. با توجه به این امر که تعیین دقیق حجم جامعه آماری به‌واسطه عوامل جمعیتی به‌ویژه مهاجرت‌های بین شهری و افزایش روزافزون تعداد دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی امکان‌پذیر نبود، براساس تعداد تقریبی دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی ساکن تهران به جدول تعیین حجم نمونه مراجعه شد. از آنجا که واریانس جامعه یا درصد خطا را در اختیار نداشتیم از جدول مورگان استفاده شد. در این جدول برای ۱۰۰۰۰ نفر ۳۸۴ نفر تعیین شده است اما این پژوهش برای حفظ احتیاط حجم جامعه نمونه ۵۰۰ نفر را در نظر گرفته است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است و به این ترتیب انجام شد که ابتدا از میان مناطق شمال، جنوب، شرق و غرب تهران از هر کدام یک منطقه به‌شکل تصادفی انتخاب شد، سپس از میان ادارات و مراکز آموزشی این مناطق، یک اداره و یا مرکز پژوهشی انتخاب شده و با مراجعه به این ادارات و مراکز، افرادی را که حاضر به همکاری بودند، انتخاب و سپس پرسشنامه‌ها توسط این افراد تکمیل شد. ابتدا تعداد ۵۰۰ پرسشنامه توزیع شد که به علت عدم همکاری برخی از افراد نمونه تعداد پرسشنامه‌ها به ۴۴۷ تقلیل یافت. اعتبار صوری و محتوایی از طریق نظرخواهی از پنج نفر از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در مطالعه مقدماتی توسط تعدادی از زنان فارغ‌التحصیل شاغل اعتبار صوری ابزار تحقیق بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ، پرسشنامه ۱۱ گویه‌ای (اطلاعات جمعیت‌شناختی، وضعیت تحصیلی، وضعیت اقتصادی، تقسیم کار، پیشینه و توان عملی، خود ارزیابی از اطلاعات و میزان ارتباط در حوزه‌های شغلی، علل و انگیزه‌های اشتغال زنان، راه‌حل‌های زنان برای حل تعارض بین شغل و خانواده، عوامل مؤثر

بر انتخاب نوع شغل، عمده‌ترین روش‌های دستیابی به اشتغال برای زنان و میزان رضایت از شغل)، ۰/۸۷ به دست آمد.

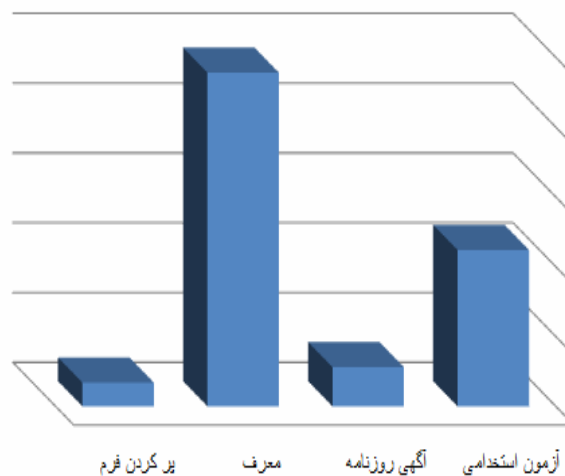
یافته‌ها

شرکت‌کنندگان این پژوهش را ۴۴۷ نفر از دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی ساکن تهران تشکیل می‌دادند، که از این میان ۴۶/۸ درصد در فاصله سنی بین ۲۶ تا ۳۱ سال ۴۳/۹ درصد در فاصله سنی ۳۲ تا ۳۷ سال و کمتر از ۱۰ درصد ۲۰ تا ۲۵ ساله بودند. ۵۴/۸ درصد متأهل، ۴۴/۱ درصد مجرد و کمتر از ۱ درصد بیوه یا مطلقه بودند. بیش از نیمی از افراد (۶۷/۳ درصد) دارای مدرک لیسانس، ۲۵/۴ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر بودند و در مقابل فقط ۵/۸ درصد دارای مدرک فوق دیپلم داشتند. ۵۶/۱ درصد از نمونه مورد بررسی در رشته علوم انسانی تحصیل کرده بودند و سایر شرکت‌کنندگان به ترتیب از رشته‌های فنی مهندسی، علوم پزشکی، هنر، زبان یا علوم پایه بودند و در دوره‌های روزانه یا دانشگاه آزاد تحصیلات خود را به اتمام رسانده بودند. میانگین مخارج و هزینه ماهانه خانواده ۲۵۰ هزار تومان، میانگین میزان هزینه شخصی صد هزار تومان، متوسط درآمد ماهانه کلیه اعضای خانواده حداقل ۹۸۷۰۶۵/۴، مدت زمان اختصاص یافته برای انجام کارهای شخصی حداکثر ۱۵ ساعت است. حدود ۶۱ درصد افراد دارای منزل شخصی و ۳۲/۵ درصد افراد در این نمونه منزل اجاره‌ای دارند و با توجه به نرم‌هنجارهای جامعه بیشتر افراد وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده بودند و اطلاعات ایشان در حوزه مسائل تخصصی رشته خود بیش‌تر در حد خوب و متوسط بوده است، اما میزان کسب رتبه و امتیاز ویژه در جشنواره یا المپیادهای علمی - تخصصی تنها ۱۱/۸ درصد، میزان چاپ مقاله در نشریات ۲۵/۲ درصد، میزان کسب رتبه‌های علمی برتر در طول دوران تحصیلات دانشگاهی ۳۴/۳ درصد و میزان عضویت فعال در انجمن‌ها یا مؤسسات علمی - تحقیقی ۲۹/۲ درصد بوده است.

تحلیل مسئله اشتغال زنان تحصیلکرده

میزان شناخت زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی از شیوه‌های گوناگون اشتغال به کار با توجه به

این جدول متوسط است. ارتباط شغل ۴۲/۳ درصد ایشان با رشته تحصیلی‌شان زیاد است. ۵۱ درصد در بخش دولتی، ۲۲/۳ درصد در بخش خصوصی و ۴ درصد در بخش نیمه‌دولتی فعالیت دارند. نوع فعالیت ۲۲/۷ درصد ایشان آموزشی، ۲۰/۹ درصد خدماتی، ۱۲/۵ درصد فرهنگی و ۱۲/۲ درصد پژوهشی است. سایر شرکت کنندگان در مشاغل بهداشتی، تولیدی و اداری فعالیت داشتند. در این نمونه اکثر افراد قراردادی کار می‌کنند. وضعیت استخدام سایر افراد به ترتیب رسمی، پیمانی و شرکتی است. ۶۲/۶ درصد تمام وقت، ۹/۸ درصد نیمه‌وقت و ۵/۸ درصد پاره‌وقت فعالیت می‌کنند. و نزدیک به ۱۰ درصد آنها تحت پوشش بیمه قرار ندارند. میزان رضایت افراد از شغل خود در حد متوسط می‌باشد. این جدول نشان می‌دهد که بیش از نیمی از افراد پاسخگو در تمایل دارند صورت امکان شغل خود را تغییر دهند. بررسی نحوه اشتغال پاسخگویان مورد بررسی نشان داد که بیش از نیمی از افراد از طریق معرف مشغول به کار شده‌اند.



نمودار شماره ۱: نحوه اشتغال پاسخگویان

همان‌طور که در جدول (۱)، نشان داده شده است، پاسخگویان تحقیق، میزان تقسیم کار و تشریک مساعی در انجام امور خانه بین اعضای خانواده را در حد متوسط ارزیابی کردند:

جدول شماره ۱: بررسی میزان تقسیم کار و تشریک مساعی در انجام امور خانه بین اعضا خانواده از دیدگاه پاسخگویان

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
۷۲	۱۰۱	۱۶۱	۸۳	۳۰	فراوانی
٪۱۶	٪۲۲/۵	٪۳۵/۹	٪۱۸/۶	٪۶/۷	درصد

شرکت کنندگان در پژوهش مهم ترین عامل یا دلیل اشتغال به کار زنان در جامعه را داشتن استقلال فردی و پشتوانه مالی می دانند.



نمودار شماره ۲: مهم ترین عامل یا دلیل اشتغال به کار زنان در جامعه

در مرتبه بعد، پاسخگویانی قرار می گیرند که ارتقاء سطح درآمد خانواده و بهبود اقتصاد خانواده را به عنوان دلیلی برای اشتغال زنان ذکر کرده اند. هم چنین بهره مندی از دانش و تخصص فنی و علمی کسب پرسنیتز اجتماعی و مطرح شدن در جامعه و پرکردن ساعات بیکاری و جلوگیری از روزمرگی را دلیل اشتغال خارج از خانه می دانند.

جدول شماره ۲: عوامل موثر بر تصمیم‌گیری دختران درباره شغل شان

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۴۵	۶۸	۱۴۴	۸۸	۱۰۰	فراوانی	انطباق با رشته تحصیلی
۱۰	۱۵/۱	۳۲/۱	۱۹/۶	۲۲/۳	درصد	
۳۷	۷۲	۱۱۷	۹۸	۱۲۱	فراوانی	میزان علاقه و تمایل فرد به نوع شغل
۸/۲	۱۶	۲۶/۱	۲۱/۸	۲۶/۹	درصد	
۱۶	۲۰	۶۵	۱۲۴	۲۲۰	فراوانی	میزان حقوق و مزایای شغل
۳/۶	۴/۵	۱۴/۵	۲۷/۶	۴۹	درصد	
۱۸	۳۹	۱۲۵	۱۶۴	۹۹	فراوانی	رضایت اعضای خانواده بخصوص همسر
۴	۸/۷	۲۷/۸	۳۶/۵	۲۲	درصد	
۱۹	۴۷	۱۳۱	۱۴۷	۱۰۱	فراوانی	ویژگی‌های رفتاری همکاران و نوع روابط
۴/۲	۱۰/۵	۲۹/۲	۳۲/۷	۲۲/۵	درصد	موجود بودن کارکنان
۱۸	۳۹	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۱	فراوانی	امکانات و تسهیلات مربوط به زنان شاغل از فراوانی
۴	۸/۷	۲۸/۵	۲۸/۷	۲۹/۲	درصد	جمله مهدکودک، سرویس رفت و آمد
۱۷	۵۱	۱۲۶	۱۳۱	۱۲۰	فراوانی	امکان اشتغال به کار به صورت پاره‌وقت یا نیمه‌وقت
۳/۸	۱۱/۴	۲۸/۱	۲۹/۲	۲۶/۷	درصد	

داده‌ها نشان می‌دهد عمده‌ترین عامل در انتخاب نوع شغل میزان درآمد پاسخگویان بوده است.

جدول شماره ۳: راه‌های اشتغال به کار دختران فارغ التحصیل

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
۷۸	۱۲۳	۱۷۰	۵۰	۲۴	فراوانی	ثبت نام در مراکز کاریابی و پیگیری امور
۱۷/۴	۲۷/۴	۳۷/۹	۱۱/۱	۵/۳	درصد	از طریق آنان
۵۱	۱۰۵	۱۴۱	۹۲	۵۶	فراوانی	شرکت در آزمون‌های استخدامی خاص
۱۱/۴	۲۳/۴	۳۱/۴	۲۰/۵	۱۲/۵	درصد	مراکز یا موسسات کلان
۷	۱۳	۶۰	۱۳۰	۲۳۵	فراوانی	معرفی از سوی فرد یا افراد خاص
۱/۶	۲/۹	۱۳/۴	۲۹	۵۲/۳	درصد	
۶۰	۱۰۸	۱۹۴	۶۳	۲۰	فراوانی	شناسایی مشاغل معرفی شده از سوی
۱۳/۴	۲۴/۱	۴۳/۲	۱۴	۴/۵	درصد	سایت‌ها یا آگهی‌های تبلیغاتی
۱۴۵	۱۱۰	۱۲۶	۳۵	۲۹	فراوانی	مراجعه مستقیم به ادارات و دستگاه‌های
۳۲/۳	۲۴/۵	٪۲۸/۱	۷/۸	۶/۵	درصد	مربوطه

همان طور که نتایج مندرج در جدول شماره ۳، نشان می‌دهد مهم‌ترین راه دستیابی به شغل، از نظر پاسخگویان، داشتن معرف بوده و در مقابل، کمتر از ۵ درصد از پاسخگویان از طریق شناسایی مشاغل در سایت‌ها یا آگهی‌های تبلیغاتی به این شغل، پرداخته‌اند.

مقایسه میزان رضایت از شغل با توجه به میزان ارتباط رشته با کار ارتباط معنی‌داری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: مقایسه میزان رضایت از شغل با توجه به میزان ارتباط رشته با کار

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۲۲	۷۴	۷۰	۱۳	۳	فراوانی	زیاد
۱۲/۱	۴۰/۷	۳۸/۵	۷/۱	۷/۱	درصد	
۴	۲۱	۵۶	۱۰	۱	فراوانی	متوسط
۴/۳	۲۲/۸	۶۰/۹	۱۰/۹	۱/۱	درصد	
۶	۱۴	۴۷	۱۶	۸	فراوانی	کم
۶/۶	۱۵/۴	۵۱/۶	۱۷/۶	۸/۸	درصد	
$X^2=۴۴/۲۰$		df=۸	Sig=۰/۰۰۰			

نتایج به‌دست آمده از ارتباط بین تمایل به تغییر شغل و شغل مرتبط با رشته تحصیلی پاسخگویان، مندرج در جدول شماره ۵، نشان می‌دهد که بین پاسخگویان دارای شغل مرتبط با رشته و غیرمرتبط با رشته تحصیلی در میزان تمایل به تغییر شغل تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۵: مقایسه تمایل به تغییر شغل با توجه به میزان ارتباط رشته با کار

زیاد	متوسط	کم	اصلاً			
۴۸	۴۰	۴۶	۴۰	فراوانی	زیاد	
۲۷/۵	۲۳	۲۶/۴	۲۳	درصد		
۳۱	۲۱	۱۸	۱۷	فراوانی	متوسط	
۳۵/۶	۲۴/۱	۲۰/۷	۱۹/۵	درصد		
۴۲	۲۲	۱۶	۱۰	فراوانی	کم	
۴۶/۷	۲۴/۴	۱۷/۸	۱۱/۱	درصد		
$X^2=۱۲/۹۴$		df=۶	Sig=۰/۰۴			

نتیجه‌گیری

بررسی اجمالی نتایج توصیفی به‌دست آمده از این پژوهش نشان داد که نیمی از پاسخگویان مورد مطالعه متأهل هستند. همچنین بیش از ۶۰ درصد از افراد مورد نمونه مورد مطالعه دارای تحصیلات در حد لیسانس بوده و بیش از ۸۰ درصد آنها (به‌طور تقریباً مساوی) فارغ‌التحصیل دوره‌های روزانه دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد بوده‌اند.

درصد بسیار کمی از پاسخگویان به تنهایی مسئول تأمین مخارج خود بوده و عمدتاً پدر و یا همسر مسئول تأمین مخارج بوده‌اند.

با وجودی که حدود ۶۰ درصد نمونه مورد مطالعه دارای مسکن شخصی بود، اما حدود ۸۰ درصد آن‌ها توانمندی مالی خود را متوسط و یا ضعیف طبقه‌بندی می‌کنند. به‌لحاظ سطح اطلاعات و میزان دانش در زمینه‌های غیرتحصیلی، نتایج ارزش‌یابی‌های انجام شده در مورد اطلاعات و دانش پاسخگویان و حضور در محافل علمی اکثریت، خود را در سطح متوسط و خوب ارزیابی کرده‌اند. بیش از ۱۰ درصد شرکت‌کنندگان در تحقیق حاضر در المپیادها و جشنواره‌ها رتبه کسب کرده و حدود ۲۵ درصد موفق به چاپ مقاله در نشریات و کتب تخصصی شده‌اند. حدود ۳۵ درصد از آنان دارای رتبه‌های علمی برتر و ممتاز بوده، حدود ۳۰ درصد نیز در انجمن‌ها و موسسات علمی فعال می‌باشند.

بیش از ۵۰ درصد نمونه مورد مطالعه فاقد اطلاعات و شناخت کافی پیرامون رشته‌های دانشگاهی و کاربردهای آن بوده‌اند. حدود ۸۰ درصد نمونه مورد مطالعه فاقد اطلاع کافی پیرامون راه‌های اشتغال‌زایی و کارآفرینی بوده‌اند. حدود ۷۰ درصد پاسخگویان از بازار کار و میزان عرضه و تقاضای مشاغل اطلاعی نداشته و حدود ۸۰ درصد با مؤسسات کاریابی و کارآفرینی هیچ‌گونه ارتباطی نداشته‌اند. همچنین حدود ۴۰ درصد این افراد نتوانسته‌اند با افراد موفق در حوزه تخصصی خود و اساتید دانشگاه ارتباط برقرار کنند. مطابق نتایج به دست آمده، از مهم‌ترین انگیزه‌های اشتغال زنان، به‌ترتیب عبارت بوده از کسب استقلال و پشتوانه مالی و ارتقای سطح در آمد خانواده.

براساس نتایج پژوهش حاضر، با اینکه پاسخگویان برای اشتغال زنان جنبه‌های مثبتی را بر می‌شمردند، اما بیش از ۸۰ درصد آنان معتقدند به دلیل تعدد نقش زنان فشارهای زیادی را تحمل می‌کنند. همچنین از نظر پاسخگویان، پرداخت نفقه به زنان موجب عدم ضرورت اشتغال برای زنان نمی‌شود.

حدود ۶۰ درصد از زنان پاسخگو معتقدند خانواده‌ها نسبت به اشتغال دختران و پسران نگرش یکسانی دارند. بیش از ۸۰ درصد نمونه معتقدند اشتغال برای زنان استقلال و پشتوانه مالی را به همراه دارد و مسئولان باید بدون توجه به مقوله جنسیت فرصت‌های برابر را فراهم آورند و در نهایت اکثر پاسخگویان به تأثیر اشتغال بر سلامت و فراهم آوردن موقعیت اجتماعی بهتر برای زنان اذعان داشته‌اند.

تنها حدود ۳ درصد اظهار داشته‌اند پس از فرزند دار شدن حاضر به انصراف از شغل خود بوده و بیش‌تر آنان استفاده از مزایای قانون کار و مرخصی بدون حقوق را مطرح ساخته‌اند. بیش از نیمی از پاسخگویان اظهار داشته‌اند تنها زمانی حاضر به ترک کار خود برای ازدواج هستند که ازدواج بتواند برای آنان پشتوانه مالی کافی را فراهم آورد.

طبق نتایج پژوهش حاضر، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری زنان پاسخگو در باره شغل خود میزان حقوق و مزایا، امکانات و تسهیلاتی چون مهدکودک و سرویس، امکان اشتغال پاره وقت و نیمه‌وقت و ویژگی‌های رفتاری همکاران بوده و میزان علاقه و انطباق با رشته تحصیلی کمترین سهم را در این زمینه داشته است.

عمده‌ترین راه‌های دستیابی به اشتغال از نظر زنان پاسخگو معرفی از سوی افراد خاص بوده است. در عین حال، میزان شناخت پاسخگویان از شیوه‌های اشتغال در حد متوسط به پایین بوده است. بنابر این باید گفت که تنها حدود ۴۳ درصد از نمونه مورد مطالعه دارای شغل مرتبط با رشته تحصیلی خود بوده‌اند. اکثریت پاسخگویان در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و یا مشاغل خدماتی به کار مشغول بوده‌اند.

تعداد پاسخگویان دارای وضعیت استخدامی رسمی در حد پایینی بوده و نزدیک به نیمی از افراد پاسخگو دارای مشاغل نیمه‌وقت و پاره وقت بوده‌اند، بنابر این بیش از نیمی از

پاسخگویان رضایت پایینی از شغل خود اظهار داشته‌اند و نزدیک به نیمی از آنان برای تغییر شغل خود و پرداختن به شغل دیگر تمایل زیادی داشته‌اند. بر این اساس شاید امری بدیهی باشد که بدانیم عمده‌ترین راه دستیابی نمونه مورد مطالعه به شغل خود، از طریق معرف‌ها بوده است. نتایج آزمون‌ها نشان داد که هر چه شغل با رشته تحصیلی مرتبط‌تر باشد، میزان رضایت شغلی افزایش یافته، نقش فرد در خانواده پررنگ‌تر و تمایل به تغییر شغل کمتر می‌شود.

همچنین بر اساس نتایج این مطالعه نرخ اشتغال در زنان پایین است، می‌توان این موضوع را با توسل به دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه ساختی-کارکردی پارسونز توضیح داد. براساس دیدگاه پارسونز نقش‌ها و انتظارات جامعه از طریق مدرسه، رسانه‌های جمعی و خانواده درونی می‌شود و افراد آن نقش‌ها را به راحتی می‌پذیرند. براساس این دیدگاه زنان کسب کمتری به سوی داشتن شغل خارج از منزل دارند و بیش‌تر در جهت تحقق بخشیدن به نقش‌های محول تلاش می‌کنند. در حالی که بر اساس نتایج تحقیق حاضر، اشتغال برای زنان نقش بسیار عمده و محوری داشته و پاسخگویان خواهان فراهم آوردن شدن امکانات برابر شغلی برای هر دو جنس هستند. گروه مورد مطالعه حاضر به‌ترک شغل خود به‌دلیل داشتن فرزند و یا ازدواج نیستند، بلکه برای اینکه بتوانند هم خانواده و فرزند و هم شغل خود را داشته باشند، خواهان فراهم آمدن راه کارهای قانونی همچون امکان دسترسی و استفاده از تسهیلاتی همچون مهد کودک، استفاده از ساعات کار شناور، مرخصی و شغل نیمه‌وقت هستند. یکی از دلایلی این که زنان بیش‌تر به مشاغل آموزشی و بهداشتی روی می‌آورند، این باشد که ساعات کار محدودتر و امکان تنظیم ساعات کار با شرایط خانوادگی در این مشاغل فراهم‌تر است.

بیش از نیمی (۶۰ درصد) از پاسخگویان کمتر از ۳۰ سال و نزدیک به نیمی از آنان مجرد بوده و هزینه شخصی‌شان، صدهزار تومان در ماه بوده است که با توجه به به عرف معمول جامعه بیشتر افراد وضعیت اقتصادی خود را متوسط ارزیابی کرده بودند. از آنجا که میزان شناخت دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی از شیوه‌های گوناگون اشتغال به کار در حد متوسط بوده و نزدیک به یک چهارم این دختران در بخش خصوصی و ۶۲/۶ درصد به‌صورت تمام

وقت، مشغول به کار می‌شوند و بیش از نیمی از این افراد که به صورت تمام وقت مشغول هستند تمایل دارند در صورت امکان شغل خود را تغییر دهند، ولی میزان اهمیت و مزایای شغل برای ایشان بیش از تقریباً دو برابر ویژگی‌های رفتاری همکاران و نوع روابط موجود بین کارکنان اهمیت دارد. این امر می‌تواند نشانه‌ای هشداردهنده در زمینه فضای موجود برای کار دختران جوان باشد و توجه و نیاز به پژوهش‌های بیشتر در گروه دختران جوان مجرد خود سرپرست به‌ویژه دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی را خاطر نشان می‌سازد.

در نمونه مورد مطالعه متوسط سن گروه مجردها ۲۹ سال و حاکی از افزایش سن ازدواج دختران است. شاید یکی از دلایل این افزایش مربوط به کسب استقلال مالی و نقش عمده اشتغال برای ایشان باشد. ولی شرایط و مقررات جامعه به‌گونه‌ای نیست این زنان بتوانند بین نقش‌های شغلی و خانوادگی خود تعادل برقرار نمایند.

در تحقیق حاضر عمده‌ترین عامل تاثیر گذار در انتخاب شغل، میزان درآمد و در مرحله بعد، دسترسی به تسهیلاتی همچون مهدکودک و امکان اشتغال نیمه‌وقت و پاره‌وقت بوده است. این نتایج با یافته‌های میناوندچال (۱۳۸۳) عوامل موثر بر اشتغال زنان را در درجه اول کیفیت فرصت‌های شغلی، موقعیت اجتماعی آن، و مطابقت با رشته تحصیلی معرفی می‌کند، مغایرت دارد. در واقع انگیزه‌هایی همچون ارتقای فردی، پرستیژ اجتماعی و تطابق با تخصص از نظر رده‌بندی نیازها، نیازهای رده بالاتر هستند. هم‌چنان‌که مازلو مطرح می‌کند نیازهای فیزیکی و مادی، نیازهای پایه هستند که در صورتی که فرد در این موارد احساس محرومیت کند، نیازهای مراحل بالاتر کمرنگ شده و در حاشیه قرار می‌گیرند. گروه مورد مطالعه در تحقیق حاضر وضعیت اقتصادی خود را متوسط و یا ضعیف ارزیابی نموده و همچنین عمده‌ترین مزایای اشتغال برای زنان را پشتوانه اقتصادی مطرح کرده بودند. این به‌خوبی نشان می‌دهد که نیازهای رده پایین‌تر این افراد در حد پایه برآورده نشده و بنابراین، امکان این را که به نیازهای سطح بالاتر بپردازند، ندارند.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که درصد زیادی از نمونه مورد مطالعه از شغل خود رضایت پایینی دارند و در صورت امکان حاضر به تغییر شغل خود هستند. البته هر چه بین رشته تحصیلی و نوع شغل ارتباط بیشتری باشد، رضایت شغلی افزایش می‌یابد، و تمایل به تغییر شغل کاهش می‌یابد. این یافته با تحقیق انجام شده در سال ۱۳۸۱ به سفارش مرکز

امور مشارکت زنان، که نشان داده درصد بالایی از زنان مایل به تغییر شغل خود هستند، همخوانی دارد. عدم ارتباط بین تخصص و تحصیلات با نوع شغل از چند منظر قابل بررسی است. اول اینکه ارتباطی بین نیازهای جامعه و رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌ها وجود ندارد، که این خود بیانگر عدم برنامه‌ریزی در زمینه جذب دانشجو به تناسب نیازهای جامعه و بازار کار است. این امر موجب هدر رفتن امکانات اقتصادی و سرمایه‌های انسانی می‌گردد. دوم اینکه به لحاظ فردی، این عدم هماهنگی و عدم تناسب، احساس بیهودگی، ناتوانی و عدم کفایت و نهایتاً احساس خسارت را به بار می‌آورد که خود، موجب کاهش بهره‌وری و بی‌علاقه‌گی به شغل مورد نظر می‌گردد. وقتی تناسب شغلی وجود نداشته باشد، فرد احساس خوداثربخشی پایینی خواهد داشت و این خود موجب کاهش عزت‌نفس شده و همگی منجر به عدم رضایت از شغل، بهره‌وری پایین و عدم خلاقیت خواهد گردید.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد نمونه مورد مطالعه فاقد اطلاعات کافی پیرامون راه‌های اشتغال‌زایی بوده و با نیازهای بازار کار و عرضه و تقاضای مشاغل نا آشنا هستند و اکثراً با مؤسسات کاریابی و کارآفرینی هیچ‌گونه ارتباطی ندارند. این نتایج بیانگر نقص در سیستم آموزشی دانشگاه‌ها و پذیرش دانشجو بدون برنامه‌ریزی است. با توجه به افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و خصوصاً افزایش نرخ فارغ‌التحصیلان دختر که تجارب کمتری را در زمینه اشتغال و کاریابی داشته‌اند، اختصاص واحدهای تخصصی و مرتبط و همچنین کارورزی‌هایی جهت آشنایی هرچه بیشتر این افراد با امکانات و فرصت‌های شغلی ضروری است. متأسفانه ظاهراً تحصیلات دانشگاهی و ادامه آن در مقاطع بالاتر تنها وسیله‌ای برای گذران عمر تلقی شده و افراد، به امید اینکه شاید در آینده فضای بهتری برای فعالیت آنها ایجاد شود، به تحصیل می‌پردازند. این در حالی است که سرمایه عمر و زندگی جوان که در خلاق‌ترین و کارآمدترین مرحله عمر بسر می‌برد، به هرز می‌رود. این مسئله تنها خاص زنان تحصیل کرده نیست، اگرچه در مورد زنان مشکل جدی‌تر است.

نمونه مورد مطالعه، عمده‌ترین راه دست‌یابی به شغل را داشتن معرف و آشنا دانسته‌اند و عملاً نیز از طریق معرف توانسته‌اند به مشاغلی که زیاد هم از آنها رضایت ندارند، دست یابند. در شرایطی که ارتباط بین تخصص و شغل کم و نرخ بیکاری بالا، و همچنین نارضایتی از وضعیت اقتصادی بالاست، وقتی که فرد می‌بیند، بدون داشتن دوست و آشنا و

معرفی، دستش به جایی بند نیست، احساس بی‌عدالتی می‌کند و این خود، فشار مضاعفی را در فرد ایجاد کرده و می‌تواند کل سلامت وی را به مخاطره بیندازد و فردی که توانسته در رقابت‌های دشوار کنکور موفق شود و دوران تحصیل دانشگاه را پشت سر بگذارد، طبیعی است که توقع آینده‌ای روشن را داشته باشد که حداقل نیازهایش مانند زندگی مستقل، داشتن سرپناه و سربار نبودن برای دیگران تأمین گردد. وقتی که این انتظارات برآورده نمی‌شوند، فرد احساس می‌کند بین تلاشش با نتایجی که به دست می‌آورد تناسبی وجود ندارد، دچار سرخوردگی می‌شود که این امر، افسردگی و بی‌تفاوتی و یا احساس خصومت و کینه را به دنبال خواهد داشت.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد، با اینکه نمونه مورد مطالعه پیامدهای اشتغال را مثبت ارزیابی نموده‌اند، ولی اغلب آن‌ها فشارهای مربوط به تعدد نقش را مطرح ساخته‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد علی‌رغم موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان، تغییری در نقش‌های خانوادگی‌شان ایجاد نشده است. شاید یکی از دلایل عمده‌ای که زنان به دنبال مشاغل نیمه‌وقت و پاره‌وقت هستند همین مسئله است که بتوانند نقش‌های محول خانوادگی و شغلی خود را به انجام برسانند

از طریق اشتغال بر احساس کفایت و میزان مهارت‌های ما افزوده می‌شود که برای رشد انسانی امری ضروری بوده و سلامت و شادکامی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در صورتی که فرد در شغل خود احساس مشارکت مفیدی داشته و در آن معنایی بیابد، این می‌تواند به بهروزی و سلامت افراد منجر شود.

نکته قابل این است که در مطالعه حاضر، افراد فقط ۱۵ درصد از وقت خود را به انجام امور شخصی اختصاص می‌دهند در حالی که مطالعات در سایر کشورها نشان می‌دهد به‌طور میانگین افراد ۴۰ درصد از اوقات خود را به انجام امور شخصی اختصاص می‌دهند.

زنان در جامعه ایران وقتی که درگیر نقش‌های متعدد می‌شوند، ساده‌ترین راه که انتخاب می‌کنند، حذف فعالیت‌های شخصی و رسیدگی به خودشان و محدود ساختن علایق فردی، تفریح و ارتباطات اجتماعی داده‌اند که وجود تعادل بین نقش‌های متعدد افراد در زندگی‌های پیچیده کنونی برای سلامت و شادکامی آنان امری ضروری است. فرد باید بتواند بین وظایف و نقش‌های متعدد خود تعادل و توازن برقرار نماید. فراهم نمودن امکانات و

تسهیلات برای این که زنان شاغل بتوانند همگام با وظایف شغلی به امور خانوادگی و فردی خود نیز بپردازند نه تنها سلامت و شادابی و حفظ روحیه آنان را تأمین نموده بلکه می‌تواند در نهایت منجر به سلامت و شادابی در سطح وسیعی در جامعه گردد.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا (۱۳۸۸) بازتولید نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی *پژوهش زنان*، دوره ۷، شماره ۱: ۸۷-۱۰۷.
- بابایی فرد، اسداله (۱۳۹۲) سنجش تاثیرات اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی (مطالعه موردی شهر آران و بیدگل)، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، شماره ۴۲: ۴۲۷-۴۵۱.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۴) تحلیلی از وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان نظام آموزش عالی. مجموعه مقالات اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران دانشگاه تربیت مدرس، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- برآبادی، ابوالقاسم و یاسر محمدی (۱۳۸۶) ایجاد تعاونی، راه‌حلی جهت مشکل بیکاری دانش‌آموختگان، *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، شماره ۱۸: ۶۵-۶۱.
- ترابی مهربانی، مهدی (۱۳۸۵) ضرورت توانمندسازی دانشجویان در دوران تحصیل، *فصلنامه رویش*، شماره ۱۴: ۳۵.
- توسلی، افسانه و وحیده سعیدی (۱۳۹۰) تأثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهرایوانکی، *مجله زن در توسعه و سیاست*، دوره ۹، شماره ۳: ۱۳۳-۱۴۹.
- حبیب‌زاده، شیدرخ سادات؛ ایروانی، هوشنگ و خلیل کلانتری (۱۳۹۲) تحلیل عاملی عوامل پیش‌برنده و بازدارنده توسعه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان کرج، ۱۳۸۹)، *فصلنامه پژوهش‌های روستایی*، شماره ۱۴: ۳۲۷-۳۴۶.
- حجازی، الهه (۱۳۸۵) اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی: راهی به‌سوی دستیابی به فرصت‌های برابر، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۸۷: ۱۲۱-۱۴۵.
- حجازی، سیدناصر (۱۳۹۲). نگرش زنان شاغل به آوردن فرزند دوم و عوامل مؤثر بر آن، *مجله تحقیقات نظام سلامت*، سال ۹، شماره ۷: ۷۷۱-۷۸۱.
- حیدری‌عبدی، احمد (۱۳۸۲). اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها (درس‌هایی از تجارب کشورهای شرق آسیا)، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، مرداد و شهریور شماره ۱۱ و ۱۲.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ الهی‌دوست، سعیده و فرشته قیصریه نجف‌آبادی (۱۳۹۲) مطالعه ای پدیدارشناسانه درباره تجربه زیسته مدیران زن در اصفهان، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۵۲: ۱۹-۴۱.

- میرغفوری، سیدحبيب‌اله و انیسه رضایی (۱۳۹۲) تحلیل و پیش‌بینی اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در استان یزد با استفاده از رویکرد پویایی سیستم، *مجله سیاست‌گذاری اقتصادی*، سال ۵، شماره ۱۰: ۹۷.
- صداقت، سعید و زهرا زاهد (۱۳۷۴) نقش‌های جنسیتی در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، *مجله فرزانه*، دوره ۲، شماره ۵.
- فروتن، یعقوب (۱۳۸۹) جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، دوره هشتم، ش ۳: ۱۹۵-۲۱۶.
- میرهادی، سیدمهدی و محسن رنالی (۱۳۸۱) بررسی میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان مهارت‌های کار دانش *فصلنامه آموزه*، شماره ۱۴، ۴۵.
- میناوند چال، صدیقه (۱۳۸۳) عوامل مؤثر بر اشتغال زنان دارای تحصیلات عالی مراجعه‌کنندگان به مراکز خدمات اشتغال شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد راهنما: عزت‌آسام آرام.
- Adams GA, King LA, King DW. (1996) Relationships of Job and Family Involvement, Family Social Support, and Work-family Conflict with Job and Life Satisfaction, *Journal of Applied Psychology*, 81(4): 411.
- Keyes, Shapiro (2004) *Mental Hygiene*, New Jersey, Englewood Cliffs, 768.
- Naqvi Z.F., Shahnaz Lubna and G.M. Arif (2002) How Do Women Decide to Work in Pakistan? [with Comments], *The Pakistan Development Review*, Vol. 41, No. 4: 495-513.
- Pleck, J. (2005) *Conflicts between Work and Family Life*, Previw, 103: 29-32.
- Sugar, J.A. & et al. (2002) Gender Biases in Gerontological Education”, *Gerontology & Geriatrics Education*, Vol. 22, Issue 4: 43-55.
- Zuo, Jiping and Yanjie Bian (2005) Beyond Resources and Patriarchy: Marital Construction of Family Decision Making Power in Post-Mao Urban China, *Journal of Comparative Family Studies*, 36(4): 601-622.